

## خودتان را معرفی کنید و بفرمایید که به چه عنوانی در هیئت تشریف داشتید.

بنده شهرباری هستم، یکی از اعضای گروه بازدیدکننده از کشور افغانستان که به عنوان یکی از معتمدین منطقه در این تیم حضور داشتم. بنا به دعوتی که از طرف استانداری انجام شد، روز یکشنبه گذشته ما برای بازدید از افغانستان و پیگیری حقایق عازم این کشور شدیم. البته این را باید عرض کنم که افراد بومی و متمنذین منطقه که در دوسوی مرز ارتباط اجتماعی با جامعه افغانستان داشتند، در این هیئت شرکت کردند تا مطالبه مردم سیستان را به گوش بقیه برسانند.

تلاشی که استانداری محترم، همکارانشان و همچنین حاج آقای عزیزی، امام جمعه زابل انجام دادند، محقق شد و توفیقی به ما رسید که به همراه تعدادی از بزرگان طوایف، معتمدین و همچنین خود حاج آقای عزیزی، امام جمعه زابل، استاندار محترم، معاون محترم استاندار، معاون امنیتی و همچنین رئیس کمیته آب کمیسیون کشاورزی مجلس، جناب آقای جعفری بروجنی و تعدادی از عزیزان وزارت نیرو، عازم این سفر بشویم. معاون کمیساران، جناب آقای وطن فدویکی از کارشناسان خبره شرکت آب نیرو که متخصص در امور کارفرمایی ساخت سد های ایران هستند، جناب مهندس رهبری و جناب آقای بارانی، مدیرکل محترم بامدیرعامل محترم آب منطقه ای سیستان و بلوچستان هم بودند؛ مجموعه ای متشکل از یازده نفر که معاون محترم سفارت ایران هم در افغانستان و نیمروز، شرف حضور داشتند و در بدو ورود جلسه ای تشکیل شد. مسائل، خواسته ها و علت حضور این تیم در افغانستان عنوان شد. در آن جلسه معاون وزیر خارجه، کارشناسان وزارت آب و انرژی افغانستان و معاون کمیساران آب افغانستان حضور داشتند و با حضور آقای استاندار، والی استان نیمروز، مسائل مطرح شد.

آنها برنامه ای را که برای حضور تیم ایران طراحی کرده بودند، مطرح کردند؛ برنامه به این شکل بود که ما باید از نزدیک مناطق مختلف افغانستان را که تحت تأثیر رودخانه هیرمند است، بازدید می کردیم و عوامل خشکسالی را متوجه می شدیم. مصائب و مشکلات مشابهی در هر دو کشور وجود دارد؛ علی رغم اینکه عنوان کردیم ما به این مسائل واقفیم، اما طرف افغانستانی دوست داشت که ما مناطق را از نزدیک ببینیم و ما هم پذیرفتیم. در روز اول سفر تقریباً به شرق منطقه استان نیمروز رفتیم؛ شرق شهر زنج، منطقه چغان سور که در گذشته منطقه آبادی بوده است. آنجا ساحل هامون افغانستان بوده و به مناطق هامون سیستان ارتباط داشته است. این منطقه مثل هامون های سیستان آباد بوده و به واسطه دامداران، تجار و خصوصاً مردم منطقه، ارتباط وجود داشته و از لحاظ نسبی، سببی، شغلی و طایفه ای بین دامداران و صیادان منطقه ارتباطات عمیقی وجود داشت. به آنجا رفتیم و از نزدیک همه چیز را مشاهده کردیم؛ واقعاً مثل هامون های سیستان، آنجا هم خشک بود و مردم در سختی زندگی می کردند. بعضاً حتی برای آب شرب چاهک هایی داشتند. در روز دوم به منطقه چهاربرجک که جنوب شرق است، رفتیم؛ آنجا هم مشکلات نیمروز را داشت. منطقه ای کاملاً خشک که مشخص بود ماه ها آبی به خود ندیده. رودخانه هیرمند در منطقه چهاربرجک بیش از هزار متر عرض دارد. قسمت هایی از عرض رودخانه را ماسه های بادی ناشی از طوفان ها فرا گرفته. این ها دلایلی برای جاری نبودن آب در رودخانه هیرمند بود.

ما می دانستیم که در هفت هفت ماه گذشته، سیلابی در رودخانه جاری شد و تا پشت سد کمال خان هم آمد؛ ولی به سمت ایران هدایت نشد. فردی در چهاربرجک ادعا می کرد که چند سالی است که آب از رودخانه عبور نکرده؛ خب این ادعاها بیشتر جنبه تبلیغی دارد. پاسخ آنها داده شد که اگر چهار سال است که از اینجا آبی عبور نکرده، پس آن دو میلیارد متر مکعبی که سال گذشته در گود زره ریخته شد، از کجا عبور کرد. همه این ها عنوان شد، هم دوستان کمیساران ما و هم نیروهای دیگری که آنجا حضور داشتند، این مسائل را پیگیری می کردند. روز سوم بنا بر این شد که از استان هلمند بازدید داشتیم؛ چون بیشترین تأثیر را از آب رودخانه هیرمند دارد.

واقعاً

مثل هامون های سیستان، آنجا هم خشک بود و مردم در سختی زندگی می کردند. بعضاً حتی برای آب شرب چاهک هایی داشتند